

## بسم الله الرحمن الرحيم

### انقلاب اسلامی و فقه های مضاف؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

عنوانی که برای درس ما در نظر گرفته شده؛ انقلاب اسلامی و فقه است و گاه هم گفته اند انقلاب اسلامی و فقه های مضاف؛ شاید همین دومی منظور باشد که باید راجع به آنها صحبت کرد.... در این باره زیاد می توان با شما صحبت کرد. منتها من بخشی را مطرح می کنم و دوست دارم یک بخش معتنا بهی را بگذاریم پرسش و پاسخ، تا اگر ابهامی هم دارید انشاءالله برطرف شود.

اصولا باید این مطلب در نظر گرفته شود که فقه غیر شریعت است؛ ما به هیچ وجه نباید فقه را با شریعت یکسان انگاری کنیم. شریعت همان است که از طرف خداوند آمده است و فقه یعنی تلاش فقیهان و آن برابندی که از این تلاش دارند و لذا شریعت معصوم است و من الله است و بشری نیست و خطا ندارد و واحد است در حالی که فقه بشری است؛ غیر معصوم است در آن اختلاف است و لذا وقتی می گوئیم فقه های مضاف یعنی تلاش علما ..

فقه های مضاف نیاز به توضیح ندارد؛ در برابر فقه مطلق است؛ یک زمانی وقتی گفته میشد فقه؛ یعنی از اول طهارت تا آخر دیات... و فقیه کسی بود که این مباحث را مسلط باشد....

فقه مضاف زمانی نامانوس بود... دو دهه است که به صورت نهادینه و رسمی مطرح شده است؛ خود کلمه نیاز نیست که حفظ کنیم؛ فقه مضاف یعنی تلاش بشری.... که اضافه شود به یک ساحت خاصی مثل فقه سیاسی؛ یا فقه خانواده یا فقه هنر؛ فقه هسته ای یا فقه هنر؛ فقه رسانه یا فقه اقتصاد یا فقه پزشکی و اخیرا هم اضافه شده فقه عمران و شهرسازی و... سوال این است که چرا قبلا مطرح نبود و الان مطرح شده است؛ من این طور تحلیل می کنم؛ حوزه های علمیه به این نتیجه رسیده اند؛ تخصص کافی نیست؛ تمحض لازم است و تمرکز لازم است؛ چون رسیده اند به این مطلب، آمدند و فقه مضاف درست شد.

یک انسان نسبت به علوم میتواند چهار نوع رابطه داشته باشد:

1. هیچ بلد نباشد یا کالهیچ باشد!! بسیاری از ماها نسبت به بسیاری از علوم این گونه ایم؛
2. در حد اطلاعات عمومی؛ مطلع مقابل جاهل.. یک دانشجوی حقوقی که کلیاتی از حقوق می خواند؛ مقابل آن جاهل مطلق یا شخصی است که در فقه یا اصول اطلاعاتی جمع می کند.
3. مرحله تخصص؛ یعنی اظهار نظر کردن و بتواند باطل کند و بتواند نظر دهد؛ متخصص یعنی صاحب نظر در فقه بتواند مساله ای را جواب دهد یا در ادبیات بتواند جواب دهد اینکه در ادبیات بخواند انما برای حصر است و این که جایی ثابت کند که این جا انما برای حصر هست یا نیست... جواب نحات را بدهد یا جواب ندهد؛ یک فقیه مثلا بتواند اگر مساله ای را به او دهند بتواند نظر دهد... اما برخی وقتها در یک بخشی از دانش متمرکز و متمحض می شود....
4. مرحله تمحض.... مثلا فقیه ما می رود در بخش عبادات و ده سال یا بیست سال کار می کند و بیست یا سی جلد هم تالیف

می کند یا کسی می رود در بخش سیاسات ؛ دیات ؛ شهادات ؛ قضا و ... یا دیگری می رود در بخش معاملات ... معاملات بالمعنی الاعم یا معاملات بالمعنی الاخص ... یا بخش اقتصاد یا عقود یا ایقاعات و متمحض می شود یا گاه روی یک موضوع ترکیز می کند و می ایستد و واقعا هم کار می کند ... مسائل رسانه را در می آورد و این می شود متمرکز و متمحض و فقه مضاف این جاست که معنا می دهد یعنی در یک بخش خاصی کار میکند ... توسعه مسائل علمی اجازه نمی دهد فقیه ما اطلاعات عمومی باشد ... و این خوب نیست این که گفته شود فلانی جامع علوم هست و در زمینه های مختلف تخصص و تبحر دارد ؛ این در واقع ذم شبیه به مدح است .. البته قدیم این سبک بوده یعنی از هر چیزی یک مقداری تخصص داشتن ... الان برای هر رشته یا هر حوزه ای یا هر حیطه ای و حتی اعضای بدن هر کدام متخصصین خود را دارد و کسی نمی تواند ادعای همه دان بودن کند.

عنوان انقلاب اسلامی و فقه های مضاف ممکن است این را تداعی کند که انقلاب اسلامی باعث شد و زمینه شد فقه مضاف ایجاد شود و من اصرار ندارم تاکید کنم انقلاب باعث این کار شد ولی این قدر میتوان گفت اگر انقلاب نبود ما به این سرعت و به این گستردگی به این نتایج در حیطه فقه مضاف نمی رسیدیم . انقلاب اسلامی در پیدایش فقه های مضاف نقش داشت ... ما به یک توسعه می رسیم ؛ و آن طرح نیازها است ؛ توسعه یک ضرورت را تحمیل می کند به متکفلان ... آن هم ضرورت تمرکز بعد تخصص و اطلاع و تمرکز هم فقه مضاف را به وجود می آورد ... الان هم رخ داده است و روز به روز هم دارد اضافه می شود . اصلش میمون و مبارک است و فکر هم می کنم بار هم بردوش شماست . اگر اجازه دهید من به برخی از بایسته ها یا آسیب ها اشاره کنم هم بایسته ای اگر نباشد میشود آسیب و آسیبی که برطرف شود می شود یک بایسته ... بایسته شناسی و آسیب شناسی را من با هم انجام میدهم .

### بیان یک سری آسیب ها

یکی از آسیب ها خلق فقه های مضاف ، بدون حساب و کتاب ؛ فقه های مضاف ناموجه .. مثل فقه حسینی یا فقه اموی که در صحبت یکی از آقایان بیان شده بود!! معتقدم این ها بار اضافه بر فقه گذاشتن است و آسیب آن این است که در آینده هر چه سوء مدیریت شود همه به فقها و نظرات آن ها نسبت داده می شود.

ناکامی های بسیاری حواله به فقه داده می شود؛ من نمی گویم فقه الان نمره آن صد است ؛ فقه مضاف باید حساب و کتاب داشته باشد نه این که همین طور هر مضاف الیه ی به آن اضافه شود؛ فقه آسانسور یا فقه پله !! یا فقه وزارت سمت یا فقه جهاد کشاورزی ! .. باید حساب و کتاب داشته باشد.

و نکته دیگر این که اگر هم فقه مضاف ساخته می شود ؛ در آن ، مسائل خودش مطرح شود...

از فقه رسانه صحبت می شود و همان مسائلی که در احکام معمولی از آن صحبت می شود در آن هم بیان می شود ؛ سوال این است که رسالت و وظیفه اصلی فقه رسانه و چارچوب تعریفی آن کجاست و کدام است ؛ و یا این که اداره یک رسانه موفق استراتژی فقهی آن چیست...

یک اصطلاحی که از خود بنده است «درس های دو ضلعی و سه ضلعی» ....

در فقه مضاف این حالت هست؛ که درس ها باید دو ضلعی یا سه ضلعی باشد ... یعنی چه؟

فرض کنید من استاد حوزه بخواهم فقه بورس را بگویم .... یک حالت این است که از اینترنت مطالبی جمع کنم یا به یکی از طلاب بگویم از سایت ها مطالبی را جمع کن و بیاور ... و او هم مطالبی را خلاصه می کند در دوسه صفحه و به من میدهد ... من که اطلاعاتم از بورس و فرابورس همین دو سه صفحه است ؛ و بعد من کلاس می روم و شروع میکنم بحث کردن یا فرض کنید بنا هست راجع به تغییر جنسیت یا تلقیح مصنوعی صحبت کنم و بیایم به این شکل کار را ارائه دهم که طبعاً این کار نقص های خاص خود را دارد و من که مثلاً استاد فقه هستم، نمی توانم همزمان در علم بورس و اقتصاد هم سر رشته داشته باشم و مسلط به همه جوانب باشم این کار اقتصای این را دارد که افرادی از رشته های مورد نظر، در جلسات مشترک شرکت کنند و به این شکل کار به نتیجه برسد ..

البته انتقاداتی شده بود و این را معارض با حفظ تراث میدانستند که قضاوت اشتباهی است.

جلساتی تشکیل شد با حضور مرحوم آقای دکتر سید عباس موسویان که در باره بورس و موضع فقه برگزار می شد که با

حضور بنده و سایر دوستان مدتی ادامه داشت تا ایام کرونا که البته مصداق عینی مبحث دوضلعی بودن و سه ضلعی بود ... اگر فقه مضاف بخواهد معنای واقعی داشته باشد باید از یک سری آسیب ها بری باشد و یک سری بایستگی ها را داشته باشد. سوال : چه کار کنیم این تمحض به این جامعیت فقه لطمه نزند ؟

در واقع این مشکل ، یک مشکل جهانی است...مشکل حوزه مشهد و قم نیست؛ مشکل انسانی است؛ چه کا رمی کنند و چگونه آن را حل میکنند؟ اگر بگوییم تمرکز ضرورت ندارد که دارد و اگر بگوییم کسی باید متمرکز در همه علوم و فنون شود که این هم ناممکن است. دنیا اولاً یک اطلاعات عمومی گسترده ای گذاشته... برای چه دانشجویان اول یک اطلاعات عمومی گسترده ای یاد می گیرند؟ ...

ولذا در فقه ، کسی که می خواهد وارد یک فقه متمرکز شود باید اولاً یک اصول خوب و قوی بخواند و بعد مطالعاتی در مجموعه دین داشته باشد....

در مسائل خاص اگر نیاز شد کمک بگیرد و کار را ادامه دهد

دین را باید در یک نظام حلقوی و هرمی دید و بعد در یک بخشی از آن متمرکز شد ؛

با مطالعه و اطلاع نسبت به سایر بخش های دین باید در یک حوزه به صورت متمرکز کار کرد.

آیا فقه مضاف همان فقه مدرنیته است؟

فقه مضاف سه کار می تواند انجام دهد :

1. می تواند آینده پژوهی بکند؛ خلق یک سری مسائل کند

2. بپردازد به مسائل کنونی معاصر ؛

3. ممکن است حتی فقه گذشته باشد مساله ، مساله جدید نیست اما جای تنقیح دارد.

**الحمد لله رب العالمین**

برای دریافت فایل pdf [کلیک کنید](#)